

مقایسه استانداردهای مربوط به زندگی مشترک، اسناد ارتباطی و رضایت
زناشویی در افراد ساکن تهران در طول سه نسل اخیر

Comparing Relationship Standards, Attributions and Marital
Satisfaction Across Three Recent Generations in Tehran

S. Malek Asgar

✉ سعاده ملک‌عسگر

کارشناس ارشد خانواده‌درمانی

F. Motabi, Ph.D.

دکتر فرشته موتابی

دکتری روان‌شناسی بالینی، استادیار دانشگاه شهید بهشتی

M. A. Mazaheri, Ph.D.

دکتر محمدعلی مظاهری

دکتری روان‌شناسی بالینی، استاد دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۸۹/۸/۸

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۲/۸/۲۰

پذیرش مقاله: ۹۲/۱۰/۳۰

Abstract

Relationship standards and attributions could be considered as significant cognitive variables that have received significant attention theoretically, empirically, and clinically. Relationship standards contain family member's beliefs about their close relations in particular and other relations in general.

چکیده

ساختارهای شناختی نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان رضایت زوج دارند. این شناخت‌ها تحت تأثیر محیط ابتدایی زندگی ایجاد می‌شوند و به روابط افراد در بزرگسالی شکل می‌دهند. هدف پژوهش حاضر مطالعه بخشی از این شناخت‌ها، یعنی استانداردها و اسناد ارتباطی و در عین حال، مقایسه میزان رضایت زناشویی افراد در سه نسل اخیر جامعه در حال تحول ایرانی است.

✉ Corresponding author: Shahid Beheshti University, Evin, Tehran, I.R. Iran.
Email: saade.malekasgar@gmail.com

✉ نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه شهید بهشتی، کلینیک خانواده و کودک
پست الکترونیکی: saade.malekasgar@gmail.com

Attributions are inferences generated by individuals to explain the causes of behaviors and events in their relations. In this study the changes in these cognitive variables and marital satisfaction were analyzed in three recent generations in Tehran. The sample of the study includes 180 females over 18 years old who live in Tehran. Specific Relationship Standards Questionnaire, Relationship Attribution Measure, and Enrich Scale for Marital Satisfaction were used for data gathering. The results indicated that second and third generation have higher standards. But there were no significant differences in their attributions. The marital satisfaction was significantly meaningful in third generation. This study well explains these changes in terms of cultural transition that has been experienced by Iranian society in recent decades.

Keywords: Relationship Standards, Attributions, Marital Satisfaction, Tree Generation.

این پژوهش یک طرح پیمایشی است. جامعه آماری شامل کلیه افراد بالای ۱۸ سال ساکن شهر تهران است. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، ۱۸۰ نفر برای مطالعه انتخاب شدند.

ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش پرسش‌نامه استانداردهای اختصاصی رابطه، پرسش‌نامه اسناد ارتباطی و پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ می‌باشد.

بررسی‌ها نشان داد که استانداردهای رابطه در گروه زنان دچار تغییر شده‌اند. در میزان اسناد افراد در سه نسل اخیر تفاوتی دیده نشد. میزان رضایت زناشویی افراد در نسل سوم به شکل معناداری کمتر از دو نسل قبل است. در مجموع نتایج به دست آمده، از تغییر در بایدهای نسل میانی زنان و ثبات اسناد طی سه نسل حکایت می‌کند. این تغییر با توجه به تغییرات فرهنگی، اجتماعی و حتی خانوادگی که در سال‌های کودکی زنان نسل میانی بروز پیدا کرده است، به عنوان ریشه‌های شکل‌گیری استانداردها قابل تفسیر می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: استانداردهای مربوط به زندگی مشترک، اسناد ارتباطی، رضایت زناشویی، سه نسل.

مقدمه

باکوم و اپستین یک مدل نشانه‌شناسی در مورد شناخت‌های درگیر در ناسازگاری‌های زوج ارائه کرده‌اند. این مدل نشانه‌شناسی به طور گسترده بر اساس تئوری طرحواره‌ها و خطاهای شناختی پایه‌گذاری شده است و در آن به نقش پنج عامل در روابط زوج اشاره می‌شود. عامل اول توجه انتخابی^۱ است که به واسطه آن اعضا به جنبه‌هایی از اتفاقاتی که در رابطه‌شان روی می‌دهد، توجه می‌کنند و جنبه‌های دیگر را مورد بی‌توجهی قرار می‌دهند. عامل دوم، اسناد^۲، یا استنتاج‌هایی هستند که فرد در مورد علل اتفاقات در رابطه‌اش دارد. اسناد در واقع توضیحاتی هستند که فرد برای

رفتار همسرش و اتفاقاتی که در رابطه‌اش رخ می‌دهد، پیدا می‌کند (برادبری، فینچام و بیچ، ۲۰۰۰). عامل دیگری که در این تئوری به آن اشاره می‌شود انتظارات^۳ هستند. انتظارات پیش‌بینی‌های فرد در مورد امکان وقوع اتفاقات خاص در آینده و یا پیش‌بینی‌های او در مورد عملکرد رابطه در آینده هستند. عامل دیگر، پیش‌فرض‌ها^۴ هستند که شامل باورهای فرد در مورد خصوصیات شریک و ماهیت رابطه می‌شود. پیش‌فرض‌های فرد نشان‌دهنده تفکر او در مورد این‌که دنیا و مردم چگونه هستند، می‌باشد (باکوم و اپستین، ۱۹۹۰). آخرین عامل، استانداردهای^۵ افراد هستند. استانداردها، باورهای اعضای خانواده درباره بایدهای رابطه به طور عام و رابطه خودشان به طور خاص را تشکیل می‌دهند (باکوم و اپستین، ۱۹۹۰). این پنج عامل از سازه‌های ضروری ذهن هر فرد برای ارتباط با دیگران هستند، اما در صورت افراطی، نادرست و غیرواقعی و یا ناهماهنگ بودن به روابط ناسازگارانه منتهی می‌شوند.

زمانی که فرد با یک اتفاق مواجه می‌شود به دنبال تعبیری برای آن می‌گردد. این اسناد و توضیحاتی که فرد برای اتفاقات رابطه دارد، بخش مهمی از تجربه ذهنی فرد از رابطه هستند (فینچام، ۲۰۰۱). نتایج مطالعه باکوم (۱۹۸۷) نشان داد زوج‌های ناسازگار در مقایسه با زوج‌های سازگار تمایل بیشتری به اسناد دادن رفتارهای منفی به خصوصیات شخصیتی و غیرقابل تغییر، و تمایل کمتری به اسناد دادن مشکلات به رفتارهای گذرا و موقعیتی دارند. هولمز و جاکوبسون (۲۰۰۹)، این اسناد جانبدارانه را در میان زوج‌های ناشادمان «نگهدارنده مشکل»^۶ می‌نامند. این تعبیر جای اندکی برای خوش‌بینی و انتظار رفتارهای خوب در آینده باقی می‌گذارد. بنابراین اسناد نه تنها روی احساس افراد در مورد رابطه‌شان تأثیر می‌گذارد، بلکه رفتارشان را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد (برادبری، فینچام و بیچ، ۲۰۰۰).

برادبری و فینچام (۱۹۹۰) معتقدند اسناد ارتباطی به دو گروه اسناد علیت و مسئولیت قابل تفکیک هستند. اسناد مربوط به علیت در واقع به علل وقوع یک رفتار توجه دارند و اسناد مسئولیت متوجه انگیزه‌های وقوع رفتار هستند. اسناد علیت به جنبه‌های مکانی، پایداری و عمومیت اتفاق مربوط است، در حالی که اسناد مسئولیت متوجه نیت رفتارهای آگاهانه و انگیزه‌های رفتارهای نادرست است. زمانی که اسناد زوج مورد مطالعه قرار می‌گیرند، زوج‌های ناسازگار و ناراضی اسنادی را ارائه می‌دهند که بر تأثیر رفتارهای منفی تأکید دارد و تأثیر رفتارهای مثبت را تقلیل می‌دهد (فلتچر، فینچام، گرامر و هرون، ۱۹۸۷).

همان‌طور که گفته شد، در کنار اسناد، مفاهیم شناختی دیگری نیز در روابط زوج و میزان رضایت آن‌ها موثر هستند. مفهوم دیگری که در این مطالعه مورد توجه است، استانداردهای زوج است. مفهوم استانداردهای مربوط به زندگی مشترک، به باورهای فرد در مورد خصوصیات که یک رابطه و زوج «باید» داشته باشد، اشاره دارد (باکوم و اپستین، ۱۹۹۰). استانداردها مجموعه‌ای از

باورها هستند که برای فرد مشخص می‌کنند، رابطه و افراد آن باید چه عملکردی داشته باشند. زوجها از استانداردها برای ارزیابی درست و قابل قبول بودن رفتار دیگری استفاده می‌کنند. استانداردها روی رضایت افراد از روابط تأثیر می‌گذارند (باکوم، اپستین و لاتیلا، ۲۰۰۲) و باید‌های افراد در مورد زندگی را مشخص می‌کنند. در شرایطی که این باید‌ها با دیگر ساختارهای شناختی هماهنگ نباشند، خود به منبع ناسازگاری برای فرد تبدیل می‌شوند (الکساندر، ۲۰۰۴). مطالعات نشان داده‌اند استانداردهای افراطی و شدید باعث کاهش رضایت زناشویی افراد می‌شوند و در مقابل استانداردهای معطوف به رابطه باعث افزایش رضایت زناشویی می‌شوند. استانداردها علاوه بر تأثیری که بر سیستم پردازش اطلاعات دارند، رفتار فرد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند (فتاحی، ۱۳۸۸).

در بسیاری از موارد استانداردهای افراد در مورد روابط صمیمی ثابت هستند، به شکل عمیقی حفظ می‌شوند و از اهمیت بالایی برخوردار هستند. گاهی این استانداردها شامل اخلاقیات فرد می‌شوند و گاه نیز اهمیت چندانی در زندگی فرد ندارند. هرچند مرکزیت و محوریت استانداردها در زندگی افراد قابل پیش‌بینی نیست، بر اساس مطالعات باکوم، اپستین، رنکین و برنت (۱۹۹۶) استانداردهای افراد به طور کلی در سه حوزه مرزها^۷، قدرت^۸ و سرمایه‌گذاری^۹ جای می‌گیرند. استانداردهای مربوط به مرزها مشخص‌کننده ایده‌آل‌های زوج در زمینه نزدیکی در برابر استقلال است. استانداردهای مربوط به قدرت و کنترل مشخص‌کننده نقش هر فرد در فرآیند و نتیجه تصمیم‌گیری‌ها است (استوارت، ۱۹۸۰) و استانداردهای مربوط به سرمایه‌گذاری، به میزان تلاش و تعهد هر فرد در رابطه اشاره دارد و به دو دسته سرمایه‌گذاری ابرازی^{۱۰} و ابزاری^{۱۱} تقسیم می‌شود.

اسناد و استانداردهای افراد طی رشد و در خلال تجربیات ابتدایی با خانواده شکل می‌گیرد (برند، گاردنر و دین، ۲۰۱۱). تجربیات فرد در دوران کودکی بر چگونگی اسناد او در مورد رفتارهای خود و دیگری تأثیرگذار هستند. مطالعات پروت و اسپرنس (۱۹۹۹) نشان می‌دهد که چگونگی تعاملات اعضای خانواده بر سبک اسناد افراد تأثیرگذار است. نتایج این مطالعه که به مقایسه اسناد افرادی که دارای خانواده‌های الکلی بوده‌اند با افرادی که کودکی خود را در خانواده‌های غیرالکلی گذرانده‌اند، پرداخت، نشان داد که این افراد تمایل بالایی برای اسناد خارجی دارند.

کورنت، هازن و چاکینز (۲۰۰۵) بر این باورند که برداشت کودک از تجربیات می‌تواند بر چگونگی اسناد او تأثیر بگذارد. استانداردهای افراد نیز در همین دوران و تحت تأثیر منابع متفاوتی شکل می‌گیرند. از آن جمله می‌توان به خانواده اصلی^{۱۲}، رسانه‌های جمعی، مذهب و دوستان اشاره کرد. هر فردی با زندگی کردن در خانواده اصلی به مجموعه‌ای از باورها در مورد چگونگی رفتار افراد، رابطه‌شان با یکدیگر، برخوردشان با آداب و رسوم، تعطیلات و غیره دست می‌یابد (اپستین و همکاران، ۲۰۰۲). در بسیاری از موارد استانداردها در خلال تجربیاتی شکل می‌گیرند که فرد به شکل روشن به آن‌ها

نپرداخته است و متوجه آن‌ها نبوده است. در عین حال، استانداردهایی هم در نتیجه آموزش‌های بسیار واضح و هدفمند در مورد روابط زوجین شکل می‌گیرند (بک، ۱۹۹۵).

با توجه به آن‌چه در مورد نحوه شکل‌گیری اسناد و استانداردها و تأثیری که بر رضایت افراد از روابطشان دارند، گفته شد، شاید بتوان این‌گونه نتیجه گرفت که موقعیت‌ها، اتفاقات و تجربیات متفاوت در دوران ابتدایی زندگی منجر به شکل‌گیری اسناد و استانداردهای متفاوت و در نتیجه، سطوح گوناگونی از رضایت از روابط می‌شود.

نتایج تحقیق اپستین، چن و بیدر (۲۰۰۵) نشان داد، بافت فرهنگی در شکل‌گیری استانداردها اهمیت دارد، و افراد در جوامع با فرهنگ‌های متفاوت استانداردهای متفاوتی دارند. با توجه به نتایج این تحقیق می‌توان پیش‌بینی کرد که اگر بافت یک جامعه در دوره‌های متفاوت تغییر کند افراد آن جامعه اسناد و استانداردهای متفاوتی خواهند داشت.

بر اساس مطالعات انجام شده (معدفر، ۱۳۸۳)، تغییر در بافت‌های جامعه، اتفاقی است که در ایران در حال وقوع است و جامعه ایرانی به طور عام و خانواده ایرانی به طور خاص دچار تغییر شده است. با توجه به این‌که جامعه ما جامعه‌ای در حال گذار از سنت به مدرنیته است و روز به روز داده‌ها و ارزش‌های متفاوتی را به اعضایش منتقل می‌کند (آزادارمکی، ۱۳۸۳)، لازم است ردپای این تغییرات را در شناخت‌های اعضای خانواده ایرانی بررسی کرد. تغییر خانواده ایرانی از شکل سنتی به مدرن در حال اتفاق افتادن است (نیک‌پرور، ۱۳۸۹) و هم‌زمان با این تغییر آمارها نشان از رشد روزافزون مشکلات زناشویی دارند (مظاهری، ۱۳۸۷).

جامعه ایران از سویی به علت پشت‌سر گذاشتن اتفاقات و تحولات متعدد دستخوش تغییر شده است و از سوی دیگر به علت ارتباطات وسیع جهانی با فرهنگ غرب، افراد نسل جدید به میزان بالایی تحت تأثیر فرهنگ مدرن است (آزادارمکی، ۱۳۸۳). در شرایط کنونی خانواده ایرانی با چالش‌های بسیاری که ناشی از گذار است روبه‌روست. با توجه به مطالعاتی که از آن‌ها مطلع هستیم برایمان روشن نیست که شناخت‌های افراد جامعه ما به چه شکلی در حال تغییر است، و این تغییرات چه تأثیری بر میزان رضایت افراد از روابطشان دارد. لذا قادر به برنامه‌ریزی‌های کوتاه و بلندمدت برای حل مشکلات نیستیم.

در واقع برای یافتن راه‌حل‌های مناسب برای مشکلات ناشی از تحول و عدم تعادل شناخت‌ها در روابط زناشویی باید از وضعیت و سیر تغییر شناخت‌های افراد آگاه بود. نمی‌توان از وقوع گذار و تغییر جلوگیری کرد. در این شرایط، تنها راه، مدیریت کردن مرحله گذار است. برای مدیریت کردن یک موقعیت نیز قدم اول کسب آگاهی است. بر همین اساس قصد داریم به بررسی شکل و میزان تغییر در استانداردهای مربوط به زندگی و مشترک اسناد و در عین حال نقشی که این دو در پیش‌بینی رضایت افراد از روابطشان دارند، در سه نسل اخیر بپردازیم.

روش

در این پژوهش به منظور مطالعه اسناد، استانداردهای مربوط به زندگی مشترک و رضایت زناشویی افراد در سه نسل اخیر افراد ساکن تهران، افراد متعلق به این سه نسل با روش نمونه‌گیری دردسترس انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. از این رو پژوهش حاضر، یک مطالعه پیمایشی است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش کلیه افراد بالای ۱۸ سال ساکن شهر تهران هستند. هدف این پژوهش بررسی متغیرهای مورد مطالعه در سه نسل اخیر است. از آنجا که افراد متعلق به نسل‌های متفاوت جامعه علاوه بر تعلق به یک نسل خاص، تفاوت‌های دیگری نیز با هم دارند، در انتخاب نمونه تنها به متغیر نسل توجه نشد و برای کم کردن تفاوت‌های میان افراد، افراد سه نسل از خانواده‌های واحد انتخاب شدند. نمونه‌گیری این پژوهش در دو مرحله و به دو روش در دسترس و هدفمند صورت گرفت. مرحله اول به صورت نمونه‌گیری دردسترس بود، ابتدا فردی از نسل آخر خانواده که در محدوده سنی ۱۸ تا ۲۵ سال قرار داشت، انتخاب می‌شد، در مرحله بعد دو نفر از اعضای خانواده او به صورت هدفمند وارد پژوهش می‌شدند و از فرد خواسته می‌شد دو نسخه از پرسش‌نامه را به والد و والدِ والد هم‌جنس خود بدهد. با توجه به ماهیت پژوهش حجم نمونه برای هر گروه حداقل ۳۰ نفر تعیین شد. در جداول ۱ و ۲ اطلاعات توصیفی گروه نمونه به اختصار ارائه شده است.

ابزارهای پژوهش

پرسش‌نامه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی: این پرسش‌نامه جهت بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آزمودنی‌ها (سن، جنسیت، میزان تحصیلات، مجرد، تاهل و یا مطلقه بودن و سن ازدواج) توسط محقق تهیه شد.

پرسش‌نامه استانداردهای اختصاصی رابطه: این پرسش‌نامه در سال ۱۹۹۶ توسط اپستین و باکوم برای ارزیابی استانداردهای خاص رابطه طراحی شد. این پرسش‌نامه به بررسی بایدهای فرد در چهار حوزه مرزها، کنترل، سرمایه‌گذاری ابرازی و ابزاری می‌پردازد. این پرسش‌نامه اطلاعات در سه حوزه گردآوری می‌کند؛ ابتدا استانداردهای واقعی فرد در مورد این که زندگی‌اش در حوزه مورد سؤال باید چگونه باشد (باور فرد در مورد فراوانی وقوع و نوع یک رفتار یا خصوصیات) با یک مقیاس پنج نقطه‌ای از ۱ (هرگز) تا ۵ (همیشه) ارزیابی می‌شود. در مرحله بعد برای ارزیابی رضایت فرد از تحقق استانداردها، از آزمودنی خواسته می‌شود که به سؤال «آیا شما از نحوه برآورده شدن این معیار احساس رضایت می‌کنید» پاسخ بله/خیر دهد. در مرحله سوم پاسخ‌های هیجانی فرد ارزیابی می‌شود؛ «هنگامی که این معیار شما برآورده نمی‌شود چقدر ناراحت می‌شوید.» آزمودنی در جواب به این

سؤال می‌تواند گزینه‌های؛ اصلاً ناراحت نمی‌شوم، تا حدودی ناراحت می‌شوم و بسیار ناراحت می‌شوم را انتخاب کند. در نتیجه می‌توان نمره هر زیرمقیاس را در سه حوزه؛ میزان استانداردهای فرد در مورد ازدواج، میزان رضایت فرد از تحقق یا عدم تحقق استانداردهایش و میزان ناراحتی که در شرایط عدم تحقق آن‌ها تجربه می‌کند، ارزیابی کرد.

مطالعات نشان داده‌اند که هم‌سانی درونی چهار زیرمقیاس این پرسش‌نامه، بین ضریب آلفای $0/65$ تا $0/77$ می‌باشد که نشان‌دهنده حد متوسطی از هم‌سانی درونی است. تمام ۴۸ سؤال در مردها و زن‌ها با مقیاس مربوط به خود، همبستگی بالایی دارند (اپستین، ۲۰۰۵). این پرسش‌نامه در سال ۱۳۸۲ توسط برازنده در ایران مورد استفاده قرار گرفت. بر اساس این ارزیابی، هم‌سانی درونی نسخه ترجمه شده این پرسش‌نامه، بین ضریب آلفای $0/91 - 0/83$ برای چهار زیرمقیاس و ضریب آلفای $0/96$ برای کل پرسش‌نامه می‌باشد. در این پژوهش برای بررسی روایی مولفه‌های اصلی پرسش‌نامه، تحلیل عاملی انجام گرفت. نتایج نشان داد، استانداردهای مربوط به چهار زیرمقیاس در مجموع 54% از واریانس‌های پرسش‌نامه (بارعاملی) را تبیین می‌کنند. دو عامل رضایت از برآورده شدن استانداردها و واکنش هیجانی، 35% از واریانس‌های پرسش‌نامه (بارعاملی) را تبیین می‌کنند. در بررسی دیگری که فتاحی (۱۳۸۸) انجام داد، میزان همبستگی درونی چهار جهت در دو جنس بین 84% و 74% بوده است. بیشترین ضریب پایایی نیز در چهار جهت با 88% مربوط به استانداردهای مربوط به کنترل بوده است و مرزها با ضریب 74% کمترین حد از روایی را داشتند.

مقیاس اسناد ارتباطی: این پرسش‌نامه را فینچام و برادبری (۱۹۹۲) تهیه کردند و فرم اصلی آن ۲۴ سؤال دارد. این مقیاس یک ابزار خودگزارشی است و دو بعد اسناد علی و مسئولیت را می‌سنجد (غفاری، ۱۳۸۶). در این پژوهش از فرم کوتاه این مقیاس استفاده شده است. در این فرم چهار گزاره در مورد رفتار منفی همسر که در اکثر تعاملات دیده می‌شود ارائه می‌شود و از آزمودنی خواسته می‌شود که میزان توافق خود را نسبت به شش جمله اسنادی در مورد این چهار گزاره در پیوستاری در شش درجه از کاملاً موافقم (۱) تا کاملاً مخالفم (۶) نشان دهد که ۳ جمله اسنادی بعد علی دارد و ۳ جمله دیگر به بعد مسئولیت مربوط است.

گستره پاسخ برای هر زیرمقیاس از ۱۲ تا ۷۲ است و در مجموع نمره‌های حاصل از کل پرسش‌نامه گستره‌ای از ۲۴ تا ۱۴۴ را دربر می‌گیرد. نمرات بالاتر در هر دو زیرمقیاس نشان‌دهنده اسنادی است که بر تأثیر اتفاقات منفی تأکید دارند و با رضایت زناشویی رابطه معکوس دارند. فینچام و همکاران (۲۰۰۲) پایایی فرم کوتاه این مقیاس را با استفاده از روش هم‌سانی درونی (آلفای کرونباخ) برای بعد علی و مسئولیت به ترتیب $0/82$ و $0/78$ برای مردان و $0/84$ و $0/85$ برای زنان گزارش کردند.

خجسته‌مهر و کرابی (۱۳۸۸) پایایی فرم فارسی این مقیاس را با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای بعد علی و بعد مسئولیت به ترتیب ۰/۶۹ و ۰/۸۳ محاسبه کردند. در این پژوهش ضریب اعتبار سازه این مقیاس با همبسته کردن آن با ۱۰ سؤال مربوط به خرده‌مقیاس ارتباطات در پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ برای بعد علی و مسئولیت به ترتیب $r=0/422$ و $r=0/589$ شد. مطالعه فتاحی (۱۳۸۸) نیز در بررسی هم‌سانی درونی نشان داد که آلفای کرونباخ برای بعد علی و مسئولیت به ترتیب ۰/۸۳ و ۰/۹۲ است. این محقق در بررسی پایایی آزمون - بازآزمون با اجرا با فاصله دو هفته به نتایج اسناد علی $IS=0/60$ ، اسناد مسئولیت $IS=0/70$ و کل پرسش‌نامه $IS=0/69$ دست یافت.

پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ: این مقیاس یک پرسش‌نامه خودگزارش‌دهی کوتاه با ۳۶ ماده در ۴ مقیاس است که به منظور تشخیص زمینه‌های قدرت و پربارسازی رابطه زوج‌ها طراحی شده است. زمینه‌های ارتباط در این پرسش‌نامه در خصوص «رضایت‌مندی»، «مهارت‌های ارتباطی»، «چگونگی حل اختلاف» و «تحریف آرمانی» است (اولسون، ۲۰۰۶، به نقل از صادقی، ۱۳۸۹).

نمره‌گذاری این مقیاس به صورت لیکرت در پنج درجه کاملاً موافقم (۱) تا کاملاً مخالفم (۵) است. در تعدادی از سؤالات که گزاره سؤال منفی است، این شیوه نمره‌گذاری کاملاً برعکس خواهد شد. گستره نمرات این آزمون می‌تواند برای سه مقیاس رضایت‌مندی زناشویی، مهارت‌های ارتباطی و چگونگی حل اختلاف از ۱۰ تا ۵۰ و برای مقیاس تحریف آرمانی از ۵ تا ۲۵ باشد.

این مقیاس روی ۲۱۵۰۱ زوج در کشور آمریکا هنجاریابی شده و روایی آن مورد تایید قرار گرفته است. روایی این آزمون به شیوه روایی سازه‌ای با مقیاس‌های رضایت خانوادگی و رضایت از زندگی به ترتیب، همبستگی معنادار ۰/۶۰ و ۰/۴۱ را نشان داده است. اعتبار این مقیاس نیز از طریق هم‌سانی درونی و به روش آلفای کرونباخ دامنه ۰/۷۰ تا ۰/۸۶ برای هر کدام از چهار زیرمقیاس و ۰/۷۹ برای کل آزمون را داشته است. هم‌چنین پایایی به روش آزمون بازآزمایی با فاصله چهار هفته مقدار ۰/۸۶ را نشان داده است (اولسون، ۲۰۰۶، به نقل از صادقی، ۱۳۸۹).

این آزمون توسط متخصصین روان‌شناسی و زبان‌شناسی ترجمه و ترجمه مجدد شد و روی نمونه‌های ایرانی اجرا شد (صادقی، ۱۳۸۹). در این مطالعه روایی این مقیاس با استفاده از روایی سازه (روایی توافقی و تفکیکی) مورد تایید قرار گرفت. در روایی توافقی نتایج همبستگی این آزمون با نمره MAT محاسبه شد و نتایج نشان داد، همبستگی این آزمون‌ها با یکدیگر در دامنه $r=0/37$ و $p<0/01$ قرار دارد.

هم‌چنین روایی تفکیکی این ابزار از طریق تفاوت‌های گروهی با استفاده از آزمون t انجام شد. نتایج آزمون نشان داد در بین دو گروه افراد سازگار و ناسازگار تفاوت معنادار دیده می‌شود. اعتبار این آزمون از طریق هم‌سانی درونی و با استفاده از آلفای کرونباخ برای کل ابزار ۰/۸۷ و برای مقیاس‌های آن ۰/۷۰ تا ۰/۹۰ محاسبه شد (صادقی، ۱۳۹۱).

روش تحلیل داده‌ها

در این مطالعه برای بررسی تفاوت‌های میان نسل‌ها از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شد. برای بررسی تأثیر اسناد و استانداردهای رابطه در پیش‌بینی رضایت زناشویی نیز از تحلیل رگرسیون استفاده شد.

یافته‌ها

داده‌های جمعیت‌شناختی گروه نمونه در پژوهش حاضر نشان داد میانگین سنی نسل اول ۷۳/۲۵ سال با گستره سنی ۵۷ تا ۹۴ سال، نسل دوم ۸۴/۸ سال با گستره سنی ۳۷ تا ۶۴ سال و نسل سوم میانگین ۲۲/۳ سال با گستره ۱۸ تا ۲۵ سال می‌باشد. در مجموع ۷۰/۱۷ درصد آزمودنی‌ها متاهل، ۱۶ درصد مجرد، ۱۲/۲ درصد بیوه و ۱ درصد مطلقه می‌باشند.

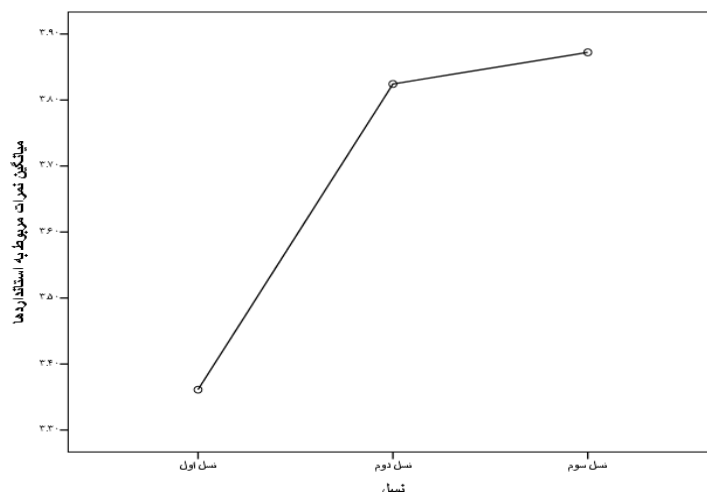
نتایج به دست آمده از این پژوهش در دو حیطه کلی قابل ارائه است. حیطه نخست به یافته‌های به دست آمده از مقایسه اسناد، استانداردها و میزان رضایت زناشویی در سه نسل اخیر اشاره دارد. در حیطه بعدی به بررسی میزان قدرت اسناد و استانداردها در پیش‌بینی رضایت زناشویی پرداخته خواهد شد.

بررسی استانداردها، اسناد و رضایت زناشویی در سه نسل اخیر: نتایج به دست آمده نشان داد که در میان سه گروه نسلی در زمینه استانداردهای مربوط به زندگی مشترک تفاوت معنادار وجود دارد. این تفاوت میان افراد نسل اول و دوم و در بین افراد نسل اول و سوم مشاهده می‌شود، اما تفاوت معناداری بین نمرات استانداردهای افراد نسل دوم و سوم وجود نداشت. این یافته‌ها به در جدول ۱ و نمودار ۱ نمایش داده شده‌اند.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد نمرات کلی استانداردها در سه نسل مورد مطالعه و نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه آن

آزمون تعقیبی	سطح معناداری	F	درجه آزادی	انحراف استاندارد	میانگین	
نسل اول و دوم $p < 0.001$	0.001	9/453	177-2	0/53	3/4	نسل اول
نسل اول و سوم $p < 0.001$				0/43	3/7	نسل دوم
				0/43	3/8	نسل سوم

N=180



نمودار ۱: مقایسه نمره کل استانداردها در سه گروه نسلی

برای بررسی تفاوت‌های جنسیتی به مقایسه نمرات استانداردها در سه گروه زنان و مردان پرداخته شد. مقایسه نمرات کلی استانداردهای مربوط به زندگی مشترک در سه نسل اخیر زنان نشان می‌دهد در نمرات کلی استانداردهای مربوط به زندگی مشترک، در میان سه نسل اخیر زنان تفاوت معنادار وجود دارد. این تفاوت در میان نسل اول و دوم و میان نسل اول و سوم معنادار است. این نتایج در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: میانگین و انحراف استاندارد نمرات کلی استانداردها در سه نسل زنان و

نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه آن

آزمون تعقیبی	سطح معناداری	F	درجه آزادی	انحراف استاندارد	میانگین	استاندارد
نسل اول و دوم $p < 0.001$	0/001	10/185	2-87	0/59	3/36	نسل اول
نسل اول و سوم $p < 0.001$				0/39	3/82	نسل دوم
				0/44	3/87	نسل سوم

نتایج ارائه شده در جدول ۳ مربوط به مقایسه نمرات سه نسل زنان در چهار زیرمقیاس مرزها، کنترل سرمایه‌گذاری ابزاری و ابرازی می‌باشد. این نتایج نشان داد که در میان نسل اول و دوم و میان نسل اول و سوم زنان تفاوتی که در هر چهار زیرمقیاس دیده می‌شود، معنادار است.

جدول ۳: میانگین و انحراف استاندارد نمرات استانداردهای مربوط به مرزها، کنترل، سرمایه‌گذاری ابرازی و ابزاری در سه نسل زنان و نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه آن

آزمون تعقیبی	سطح معناداری	F	درجه آزادی	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	
نسل اول و دوم $p < 0/001$ نسل اول و سوم $p < 0/001$	0/05	7/092	2-87	0/69	3/41	نسل اول	مرزها
				0/45	3/76	نسل دوم	
				0/5	3/7	نسل سوم	
	0/001	16/100		0/69	3/37	نسل اول	کنترل
				0/51	3/77	نسل دوم	
				0/46	3/82	نسل سوم	
	0/05	4/128		0/57	3/61	نسل اول	سرمایه‌گذاری ابرازی
				0/54	3/89	نسل دوم	
				0/52	3/88	نسل سوم	
0/05	7/283	0/47	3/52	نسل اول	سرمایه‌گذاری ابرازی		
		0/47	3/75	نسل دوم			
		0/44	3/76	نسل سوم			

مقایسه نمرات کلی استانداردهای مربوط به زندگی مشترک در سه نسل اخیر مردان نشان داد، تفاوت معناداری میان سه گروه نسلی مردان در این زمینه وجود ندارد.

در بررسی میزان رضایت افراد از تحقق استانداردهای‌شان، مقایسه میزان رضایت در سه نسل زنان نشان داد تفاوت معناداری در نمره کلی رضایت از تحقق استانداردها در سه نسل اخیر زنان وجود ندارد.

نتایج حاصل از مقایسه میانگین رضایت مردان از تحقق استانداردهای‌شان حکایت از این دارد که این میزان طی سه نسل دچار تغییر شده است. نتایج حاصل از آزمون‌های تعقیبی نشان داد که این تفاوت در میان نسل دوم و سوم به شکل معناداری قابل مشاهده است. این نتایج در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: میانگین و انحراف استاندارد نمرات کلی رضایت از تحقق استانداردها در سه نسل مردان و نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه

آزمون تعقیبی	سطح معناداری	F	درجه آزادی	انحراف استاندارد	میانگین	رضایت از تحقق استانداردها
نسل دوم و سوم $p < 0/001$	0/03	3/67	71-2	0/21	1/35	نسل اول
				0/23	1/26	نسل دوم
				0/18	1/43	نسل سوم

مقایسه میزان کلی آشفته‌گی احساسی ناشی از عدم تحقق استانداردها در میان سه نسل اخیر زنان نشان می‌دهد که در میزان کلی آشفته‌گی احساسی زنان از عدم تحقق استانداردهای شان میان نسل اول و دوم و نسل اول و سوم تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج این بررسی در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: میانگین و انحراف استاندارد نمرات کلی آشفته‌گی احساسی ناشی از عدم تحقق استانداردها در سه نسل زنان و نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه

آزمون تعقیبی	سطح معناداری	F	درجه آزادی	انحراف استاندارد	میانگین		
نسل اول و دوم $p < 0/001$ نسل اول و سوم $p < 0/001$	0/05	7/49	86-2	0/37	1/95	نسل اول	آشفته‌گی احساسی از عدم تحقق استانداردها
				0/28	2/18	نسل دوم	
				0/27	2/26	نسل سوم	

مقایسه میانگین‌های سه گروه نسلی مردان در زمینه آشفته‌گی احساسی ناشی از عدم تحقق استانداردها، مشخص ساخت که در میان سه نسل تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج به دست آمده مشخص می‌سازد که این تفاوت میان نسل دوم و سوم معنادار می‌باشد.

جدول ۶: میانگین و انحراف استاندارد نمرات کلی آشفته‌گی احساسی ناشی از عدم تحقق استانداردها در سه نسل مردان و نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه

آزمون تعقیبی	سطح معناداری	F	درجه آزادی	انحراف استاندارد	میانگین		
نسل اول و دوم $p < 0/001$ نسل اول و سوم $p < 0/001$	0/05	3/687	71-2	0/21	1/35	نسل اول	آشفته‌گی احساسی از عدم تحقق استانداردها
				0/23	1/26	نسل دوم	
				0/18	1/43	نسل سوم	

بررسی اسناد ارتباطی در میان افراد سه نسل اخیر نشان داد که تفاوت معناداری در میان افراد وجود ندارد. در دو زیرمقیاس اسناد مسئولیت و علیت نیز تفاوتی میان سه نسل اخیر دیده نشد. بررسی اسناد در گروه جنسیتی نیز نشان داد که تفاوت معناداری در بین سه نسل زنان و مردان وجود نداشت.

بررسی تفاوت‌های نسلی در میزان رضایت از زناشویی مشخص ساخت که تنها در میزان کلی رضایت زناشویی افراد تفاوت معنادار وجود دارد. همان‌طور که در جدول ۷ مشخص است این تفاوت در میان نسل دوم و نسل سوم معنادار می‌باشد.

جدول ۷: میانگین و انحراف استاندارد نمرات کلی رضایت از زناشویی در

سه نسل مورد مطالعه و نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه

رضایت زناشویی	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	F	سطح معناداری	آزمون تعقیبی
نسل اول	۱۰۸/۴۶	۸/۹	۱۲۸-۲	۸۵/۳۸۱	۰/۰۱	نسل دوم و سوم $p < ۰/۰۰۱$
نسل دوم	۱۰۸/۴۶	۱۰/۱				
نسل سوم	۱۰۲/۳۵	۷/۲۱				

بررسی رضایت زناشویی در گروه مردان تفاوت معناداری را نشان نداد، در گروه زنان این تفاوت به شکل معنادار دیده شد و آزمون تعقیبی مشخص ساخت که این تفاوت در میان نسل اول و سوم معنادار است.

جدول ۸: میانگین و انحراف استاندارد نمرات کلی رضایت از زناشویی در سه نسل زنان

و نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه آن

رضایت زناشویی	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	F	سطح معناداری	آزمون تعقیبی
نسل اول	۱۱۲/۵	۹/۲۵	۲-۵۸	۶/۴۶	۰/۰۰۳	نسل اول و دوم $p < ۰/۰۰۱$ نسل اول و سوم $p < ۰/۰۰۱$
نسل دوم	۱۰۷	۹/۳۷				
نسل سوم	۱۰۰	۹/۵۲				

بررسی میزان قدرت اسناد و استانداردها در پیش‌بینی رضایت زناشویی: جهت تعیین

تأثیر اسناد و استانداردهای مربوط به زندگی مشترک، این دو مفهوم به عنوان متغیرهای پیش‌بین به روش هم‌زمان وارد معادله رگرسیون شدند. تحلیل رگرسیون چندمتغیری نشان داد $R^2 = ۰.۴$ تغییرات در میزان رضایت زناشویی افراد ناشی از سبک اسناد آنان است. نتیجه آزمون تحلیل واریانس و معناداری آن نشان می‌دهد، مدل ارائه شده معنادار است. در این مدل اسناد پیش‌بینی‌کننده معکوس (منفی) است. این یافته‌ها در جدول ۹ ارائه شده است.

جدول ۹: تحلیل رگرسیون چندمتغیری اسناد و استانداردها با رضایت زناشویی

منبع	R	R ²	درجه آزادی	F	سطح معناداری	β	سطح معناداری
اسناد	۴۰۳	۱۵۰	۲	۷/۶۰۰	۰/۰۰۱	-/۴۰	۰/۰۰۱
استانداردها						۰/۰۴۷	۰/۵۹۹

در مطالعه افراد به تفکیک دو گروه جنسیتی نیز تنها اسناد توانستند تغییرات در میزان رضایت زناشویی افراد را پیش‌بینی کنند. در گروه مردان اسناد می‌توانند تغییرات مربوط به رضایت زناشویی

را به میزان ۳/۹٪ پیش‌بینی کنند. این میزان در گروه زنان ۴/۶٪ می‌باشد. این یافته‌ها به ترتیب در جدول ۱۰ ارائه شده‌اند.

جدول ۱۰: تحلیل رگرسیون چندمتغیری اسناد و استانداردها با رضایت زناشویی در گروه مردان

منبع	R	R ²	درجه آزادی	F	سطح معناداری	β	سطح معناداری
مردان	۰/۴۲۳	۰/۱۷۹	۲	۷/۶۲۸	۰/۰۰۱	-۰/۳۹	۰/۰۰۱
زنان	۰/۴۷۱	۰/۲۲۲	۲	۷/۶۸۵	۰/۰۰۱	-۰/۴۶	۰/۰۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از این پژوهش برای ما روشن ساخت که در زمینه استانداردهای مربوط به زندگی مشترک در میان سه نسل اخیر افراد جامعه تفاوت وجود دارد. اما تفاوتی در اسناد افراد دیده نشد. تفاوت موجود در میان سه نسل اخیر زنان جامعه معنادار بوده است و میان نسل اول با نسل دوم و سوم دیده می‌شود. در واقع زنان نسل دوم و سوم بایدهای بیشتری مبتنی بر توزیع عادلانه قدرت در خانواده، میزان صمیمیت بیشتر، ابراز عاطفه و مشارکت بیشتر دارند.

پیشینه پژوهشی در زمینه استانداردهای مربوط به زندگی مشترک بر این اصل استوار است که این بایدها در سال‌های اولیه زندگی و بر اساس تجربیات دوران کودکی شکل می‌گیرند (باکوم، ۱۹۸۷). مطالعات بین‌فرهنگی از جمله مطالعه اپستین (۲۰۰۵) مشخص ساختند که افراد در فرهنگ‌های متفاوت به نسبت تفاوت در تجارب، آموزش‌ها و دریافت اطلاعات ضمنی در محیط خانوادگی، بایدهای متفاوتی در ذهن دارند.

میانگین سن افراد نسل میانی ۴۸ سال است، در واقع دهه ۴۰ دهه‌ای است که در آن کودکان پرورش یافته‌اند که در بزرگسالی بایدهای متفاوتی نسب به نسل قبل از خود در ذهن داشته‌اند. این دهه، دربرگیرنده زمانی است که جامعه ایرانی با ارزش‌های مدرنیته و غربی آشنا شد، این آشنایی و تحولات ناشی از آن در مدت زمان اندکی باعث تغییر در ساختار و کارکرد خانواده ایرانی شد؛ تغییری که ردپای آن در تفاوت‌های نسل میانی قابل ردیابی است (ارمکی، ۱۳۸۶). این تفاوت‌ها تنها در میان زنان دیده می‌شود و در سه نسل اخیر مردان تغییری دیده نشده. این یافته با نتایج مطالعات بسیاری (عبداللهیان، ۱۳۸۲، آزادارمکی، ۱۳۸۴) هماهنگ است، عبداللهیان (۱۳۸۲) معتقد است در استقرار نظام ارزشی جدید، متغیر جنسیت نقش کلیدی در شکل دادن به این تغییرات دارد. آزادارمکی (۱۳۸۹) نیز مدرنیته ایرانی را یک مدرنیته زنانه می‌داند و معتقد است که زنان موتور محرک جامعه ایران هستند و دیدگاه و رفتار مردان جامعه دچار تحولات شگرفی نشده است. با توجه

به این که استانداردهای افراد در دوران کودکی شکل می‌گیرند، نگاهی به زمان شکل‌گیری استانداردهای زنان نسل میانی برای مان روشن می‌سازد که دوران کودکی این افراد با آغاز تحول جامعه و خانواده ایرانی در دوران نوسازی مصادف بوده است و در واقع آشنایی خانواده ایرانی با ارزش‌های مدرن، تغییر سبک زندگی، اشتغال و تحصیل زنان باعث تغییر در بایدهای آنان شده است. در کنار استانداردهای مربوط به زندگی مشترک در میزان آشفستگی احساسی ناشی از عدم تحقق استانداردهای افراد نیز تفاوتی به همان شکل دیده می‌شود. این تغییر در واقع، تغییر در هیجان است که در نتیجه تغییر شناخت‌ها ایجاد شده است. بروز آشفستگی احساسی، ناشی از درک این واقعیت است که چیزی بر خلاف بایدهای فرد اتفاق افتاده است. لذا طبیعی است که بالا رفتن استانداردهای افراد به بالا رفتن میزان آشفستگی احساسی آن‌ها بینجامد. مسئله دیگری که در این مطالعه برای ما روشن شد، ثبات نسبی میزان رضایت زنان و مردان سه نسل اخیر جامعه است. آنچه این‌جا می‌بینیم حکایت از تفاوت استانداردها در کنار ثبات میزان رضایت افراد دارد. با توجه به این که استانداردها و بایدها تنها در گروه زنان تغییر پیدا کرده است و مردان بایدهای نسل‌های قبل خود را حفظ کرده‌اند، انتظار می‌رفت که در میزان رضایت نیز تفاوت‌هایی ایجاد شود. ثبات در رضایت افراد حکایت از تحول رفتارها به گونه‌ای هماهنگ با استانداردهای جدید دارد، در واقع همان‌طور که استانداردها در میان گروهی از جامعه تفاوت یافته است، رفتارها نیز به گونه‌ای متحول شده‌اند که سطح رضایت افراد تغییر نیافته است.

مطالعات بسیاری از جمله تحقیقات اپستین و باکوم (۱۹۹۶) نشان داده‌اند که استانداردهای افراد به رفتار آن‌ها شکل می‌دهد. این رابطه در زنان قوی‌تر از مردان است، مردان تعهد کمی به استانداردها و بایدها دارند. شاید این تعهد کم به بایدهای شخصی منجر به تغییر رفتار فرد هم‌سو با نیازهای دیگر و نیز مانع کاهش رضایت‌مندی شده است. در این مورد تنها می‌توان به ارائه این فرضیه پرداخت، چرا که هیچ ارزیابی در زمینه رفتارها وجود ندارد و این یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر است.

محققین علوم اجتماعی در این زمینه به پدیده اغماض در جامعه اشاره دارند. عبداللهمیان معتقد است، تغییر ارزش‌ها در جهان معاصر به سمت تأثیرپذیری از متغیر جنسی پیش می‌رود و ارزش‌ها جنسیتی شده‌اند. چنین شرایطی از نوعی پذیرش اجتماعی و اغماض جمعی برخوردار است و این ارزش‌ها دیگر نابهنجار تلقی نمی‌شوند. این محقق ریشه انسجام و حفظ رضایت‌مندی را در شکل‌گیری روابط ترکیبی و بر اساس شیوه‌های فرهنگی نسل‌های گوناگون زنان و مردان می‌داند. به عبارت دیگر، یک نوع تعامل بین نسل‌ها و دو جنس صورت می‌گیرد که حاصل این تعامل یک جور توافق اجتماعی برای ترسیم استانداردهای جدید زیست جمعی است.

در کنار استانداردها، اسناد افراد طی سه نسل اخیر دچار تحول معنادار نشده است. مطالعات بسیاری به بررسی چگونگی شکل‌گیری اسناد پرداخته‌اند. این مطالعات تجربیات ابتدایی، مشکلات خانوادگی، روابط با والدین و حتی سبک دلبستگی افراد را در شکل‌گیری سبک اسناد آنان مؤثر می‌دانند (برند، گاردنر، ۲۰۱۱؛ کورپلی، رید، ۲۰۰۸؛ پرز، هالفورد، ۲۰۰۸؛ سامر، کوزارل، ۲۰۰۴). در این میان تنها نقش تجربیات ابتدایی پررنگ است و تأثیری از بافت فرهنگی و ساختار خانواده دیده نمی‌شود. جامعه و خانواده ایرانی دچار تغییرات شگرفی شده‌اند، ساختار جدید، بایدهای جدید، انتظارات و حتی پیش‌فرض‌های متفاوتی نسبت به گذشتگان خود دارند. اما هیچ‌یک از این تغییرات الزاما منجر به تجربیات متفاوت در سطح خانوادگی نمی‌شود. هرچند این احتمال وجود دارد که این تغییرات خانواده‌ها را دچار نابسامانی کند و تجربیات متفاوتی را برای فرزندان رقم بزند، اما آنچه در این مطالعه مشاهده می‌کنیم عدم تغییر در سبک اسناد افراد است. گویی در کنار تغییرات، روابط ابتدایی در خانواده، میان والدین و فرزندان هنوز مانند گذشته است و دچار تغییر نشده‌اند.

میزان رضایت زناشویی افراد در طول سه نسل دچار تغییر شده است. این میزان در نسل سوم به‌طور معناداری کمتر از دو نسل قبل است. از آن‌جا که این تغییر با تغییرات اسناد و استانداردها هماهنگ نیست و در عین حال بررسی رگرسیون در این مطالعه استانداردها را قادر به پیش‌بینی رضایت زناشویی مؤثر نشان نداد، به نظر می‌رسد این تغییر تحت تأثیر چرخه زندگی و طول مدت ازدواج است. با توجه به میانگین سن ازدواج در سه گروه نسلی که به ترتیب ۵۴ سال، ۲۸ سال و ۳ سال می‌باشد، می‌توان این سه گروه را با کمی اغماض در مراحل یک، شش و هفت چرخه زندگی در نظر گرفت. بر اساس مطالعات گاتمن (۲۰۰۰) طول مدت ازدواج روی میزان رضایت زوج و تعارض‌های‌شان تأثیر می‌گذارد. این محقق به دو دوران بحرانی در ازدواج اشاره می‌کند. او بر این باور است که زوج در هفت سال ابتدای ازدواج بیشترین تعارض را تجربه می‌کنند و ریسک طلاق در این دوران بالا است. دوره بحرانی دیگر زمانی است که سن ازدواج به ۱۶ تا ۲۴ سال می‌رسد. در این دوران، ازدواج با بحران کم شدن ارتباط، پایین آمدن میزان ارتباط و دوری روبه‌رو است. گاتمن این دو دوره را «دو کشتی که در شب حرکت می‌کنند» می‌نامد. مطالعه برادبری و فینچام (۲۰۰۰) نیز نشان می‌دهد که میزان رضایت زناشویی از سال اول زندگی سیر نزولی دارد و این سیر در ۱۰ سال ابتدایی ازدواج ادامه می‌یابد و با تولد فرزندان شیب تندتری پیدا می‌کند. در عین حال مطالعات بسیاری از جمله بررسی عباسی، دهقانی و مظاهری (۱۳۸۹) بر این نکته تأکید دارند که میزان رضایت زناشویی در مراحل ابتدایی (دوران عقد و زوج‌های بدون فرزند) و مراحل انتهایی (آشپانه خالی) در بالاترین حد خود قرار دارند. این یافته با مشاهدات ما تنها در زمینه گروه نسلی اول و دوم هم‌خوانی دارد و در مورد نسل سوم ناهم‌خوان است.

در زمینه میزان تأثیر اسناد و استانداردها در پیش‌بینی رضایت زناشویی، یافته این پژوهش با مطالعات بسیاری که بر نقش اسناد در پیش‌بینی رضایت زناشویی تأکید دارند، هم‌سو است (جانسون، کارنی، راگ، برادبری، ۲۰۰۱؛ مانسو، ۲۰۰۲، سنفورد، ۲۰۰۵؛ سامر و همکاران، ۲۰۰۴؛ پورخلیل، ۱۳۹۲). نتایج این مطالعات بر این مسئله تأکید دارند که اسناد نه تنها به طور مستقیم باعث کاهش میزان رضایت زناشویی می‌شوند، بلکه با تأثیر غیرمستقیمی که روی رفتار و هیجانات زوج دارند، باعث بروز تعاملات ناکارآمد در بین زوج می‌شوند. نقش استانداردها در پیش‌بینی رضایت زناشویی نیز بارها مورد توجه محققین قرار گرفته و تایید شده است (گوردون و باکوم، ۱۹۹۹). اما مسئله‌ای که در این میان مطرح است، توجه به میزان اهمیت استانداردها برای فرد است. (هاواکین و جانسون، ۱۹۹۸، امین‌یزدی و مهram، ۱۳۸۶). علاوه بر تأثیری که استانداردها و میزان تحقق آن‌ها بر رضایت زناشویی دارند، میزان اهمیت آن‌ها و راهکارهای افراد برای سازگاری با عدم تحقق آن‌ها نیز بر کیفیت روابط تأثیر می‌گذارد. در حالی که رابطه بین توافق میان استانداردهای زوج با رضایت زناشویی آن‌ها بارها تأیید شده است (کونز و سیرز، ۲۰۰۵؛ اپستین و همکاران، ۲۰۰۵، فلتچر و سیمپسون، ۲۰۰۰). اما مطالعه هانا و همکاران (۲۰۰۰) نشان داد، زوجها می‌توانند با داشتن استانداردهای متفاوت نیز رضایت بالایی از روابط داشته باشند. در واقع مسئله تعیین وجود یا عدم وجود استانداردها نیست، بلکه میزان پایبندی افراد به استانداردهای‌شان روی رضایت آن‌ها تأثیر می‌گذارد.

در مجموع می‌توان گفت که تغییرات جامعه ایرانی و روبه‌رویی آن با مدرنیته باعث تغییر در بایدهای زنان نسل میانی شده است. زنانی که کودکی خود را در ابتدای روند مدرنیزاسیون ایرانی گذرانده‌اند. اما این تغییرات باعث بروز تفاوت در اسناد افراد نشده‌اند. این استانداردها باعث بروز تفاوت در میزان رضایت افراد نشده و پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی نیستند. گویی خانواده ایرانی بایدهای جدیدی در ذهن دارد اما آن‌ها را ملاک ارزیابی زندگی خود قرار نمی‌دهد.

محدودیت‌ها و پیشنهادات پژوهشی

در تعمیم نتایج به دست آمده از این پژوهش باید مسائلی مورد توجه قرار گیرند. ابتدا این که روش نمونه‌گیری این پژوهش روش دردسترس بود، و این احتمال وجود دارد که تمام جمعیت‌های جامعه مورد نظر به طور کامل مورد مطالعه قرار نگرفته باشند. محدودیت بعدی آن است که ابزار این پژوهش، یک ابزار خودگزارش‌دهی می‌باشد و فهم تعدادی از سؤالات پرسش‌نامه برای بسیاری از افراد، به خصوص افراد با سن بالاتر و تحصیلات کمتر دشوار بود و باعث اختلال در درک سؤالات می‌شد. محدودیت دیگر این پژوهش عدم کنترل متغیر وضعیت تاهل و قومیت آزمودنی‌ها می‌باشد. در طراحی این پژوهش وضعیت تاهل آزمودنی‌ها مورد سؤال قرار گرفت، اما به دلیل حجم کم

آزمودنی‌ها در گروه‌های مطلقه و بیوه امکان مطالعه تأثیر احتمالی این متغیر وجود نداشت. علاوه بر این، این پژوهش در تهران انجام شد و گروه نمونه از افراد ساکن در تهران انتخاب شدند و با توجه به تفاوت‌های ثابت شده در زمینه تفاوت‌های نسل‌ها در قومیت‌های متفاوت (مظاهری و همکاران، ۱۳۸۵) در تعمیم این نتایج به دیگر اقوام ایرانی با محدودیت مواجه هستیم.

با توجه به محدودیت‌های پژوهش حاضر و از آن‌جا که این مطالعه یک مطالعه بنیادین است و این امکان را دارد که زیربنا و راهگشای مطالعات بسیاری در زمینه زوج‌درمانی - شناختی - رفتاری قرار گیرد، بهتر است در مطالعات بعدی دیگر وجوه شناختی و روابط میان آن‌ها مورد مطالعه قرار گیرد. با توجه به این‌که استانداردها علاوه بر ادراک، رفتار افراد را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند، ارزیابی و مشاهده فاکتورهای رفتاری افراد بسیار سودمند خواهد بود. در این مطالعه استانداردهای افراد به تنهایی مورد ارزیابی قرار گرفت، نقش استانداردها در روابط زوج بسیار پررنگ است، پس مطالعه استانداردهای زوج در کنار هم می‌تواند جنبه‌های دیگری از نقش استانداردها را برای محققین روشن سازد. مطالعه استانداردهای افراد مجرد، متأهل، افراد با سابقه ازدواج مجدد و مقایسه این گروه‌ها، می‌تواند تأثیر این عوامل را در شکل استانداردها مشخص سازد. با توجه به تفاوت‌های قومیتی، مقایسه تغییرات نسل‌ها در زمینه استانداردها در هر یک از این فرهنگ‌ها می‌تواند نتایج بارزتری را روشن سازد.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|-------------------------|----------------------|
| 1. Selective attention | 7. Boundaries |
| 2. Attributions | 8. Power |
| 3. Expectation | 9. Investment |
| 4. Assumption | 10. Expressive |
| 5. Standard | 11. Instrumental |
| 6. Distress maintaining | 12. Family of origin |

منابع

- آزاد ارمکی، ت. (۱۳۸۳). *مبانی نظری انقطاع نسلی*، مجموعه مقالات گسست نسلی در ایران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران.
- آزاد ارمکی، ت. (۱۳۸۴). *ابعاد مولفه‌های هویت ایرانی*، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- آزاد ارمکی، ت؛ غفاری، غ. (۱۳۸۱). *تبیین نگرش نسلی به زن در جامعه ایران*، فصلنامه پژوهش زنان، شماره ۳، ص ۷-۲۴.
- آزاد ارمکی، ت؛ ظهیری‌نیا، م. (۱۳۸۹). *بررسی سنخ‌های ارزشی و تغییرات فرهنگی در خانواده، فصلنامه خانواده‌پژوهی*، شماره ۲۳، ص ۱۳۰.
- برازنده، ه. (۱۳۸۴). *رابطه معیارهای ارتباطی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با سازگاری زناشویی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مشهد: دانشگاه فردوسی.

- پورخلیل، الف؛ مهدوی، ن. (۱۳۹۲). پیش‌بینی رضایت زناشویی همسران براساس باورهای ارتباطی و مهارت‌های ارتباطی. فصلنامه خانواده‌پژوهی، شماره ۳۳، ص ۴۴ - ۲۹.
- ثنایی، ب. (۱۳۷۹). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج، تهران: انتشارات بعثت.
- خجسته‌مهر، ر. (۱۳۸۸). بررسی یک مدل پیشنهادی برای پیش‌بینی‌دها و پیامدهای گذشت در ازدواج. مطالعات روان‌شناختی، دوره ۶، شماره ۱.
- سلیمانیان، ع. (۱۳۷۳). بررسی تاثیر افکار غیرمنطقی بر رضایت زناشویی دانشجو معلمان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، دانشگاه تربیت معلم.
- عبداللهیان، ح. (۱۳۸۲). تغییرات فرهنگی و شکاف نسل‌ها در ایران در گسست نسل‌ها، به اهتمام: علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- عبداللهیان، ح. (۱۳۸۳). نسل‌ها و نگرش جنسیتی: سنجش آگاهی از تعارض در نگرش‌های جنسیتی. پژوهش زنان، شماره ۲، صص ۸۴-۵۷.
- غفاری، ن. (۱۳۸۶). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس اسناد ارتباطی در ازدواج و تعیین توان پیش‌بینی آن در تشییع زنان متقاضی طلاق و عادی در شهر آبادان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- فتاحی، ک. (۱۳۸۸). اسنادهای ناسازگار و معیارهای ارتباطی به عنوان پیش‌بینی‌کننده سازگاری زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی.
- مظاهری، م. ع. (۱۳۸۷). اصول، سیاست‌ها، راهبردها و راهکارهای کنترل کاهش طلاق در کشور. طرح پژوهشی. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- معیدفر، س. (۱۳۸۳). شکاف نسلی یا گسست نسلی (بررسی شکاف نسلی در ایران). نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴، صص ۸۰ - ۵۵.
- نیک‌پرور، ف؛ پناغی و مظاهری، ع. (۱۳۸۹). تغییر ملاک‌های ازدواج در سه نسل. فصلنامه خانواده‌پژوهی، شماره ۲۶، صص ۲۰۶-۱۸۷.

- Alexander, A. L. (2004). *Coping with unfulfilled standard in dating relationships: Drawing upon personal and relationship resources. Unpublished ph. D. Dissertation, The university of Texas at Austin, United States, Texas.*
- Baucom, D. H., (1987). Attribution in distressed relation: How can we explain them? In S. Duck & D. Perlman (Eds.). *Heterosexual relation, marriage, divorce* (pp.177-206). London: Sage.
- Baucom, D. H., Epstein, N., & LaTailade, J. J. (2002). Cognitive-behavioral couple therapy. In A. S. Gurman & N. S. Jacobson (Eds.), *Clinical handbook of couple therapy* (3rd ed., pp. 26-58). New York: Guilford Press.
- Baucom, D. H., Epstein, N., Rankin, L., & Burnett, C. K. (1996). Understanding and treating marital distress from a cognitive-behavioral orientation. In K. S. Dobson & K. D. Craig (Eds.), *Advances in cognitive-behavioral therapy* (pp. 210-236). Thousand Oaks, CA:
- Baucom, D. H., Epstein, N., Sayers, S., & Sher, T. G. (1990). The Role of Cognition in Marital Relationship: Definitional, and Methodological, and Conceptual issues. *Journal of Counseling and Clinical Psychology*, 57, 31-38.

- Bradbury, T. N., Fincham, F. D., & Beach, S. R. H. (2000). Research on the nature and determinants of marital satisfaction: A decade in review. *Journal of Marriage and the Family*, 62, 964-980.
- Bradbury, T.N., Fincham, F.D. & Beach, S.R.H. (2000). Research on the Nature and Determinants of Marital Satisfaction: A Decade in Review. *Journal of Marriage & the Family*, 62(4), 964-980
- Brand, T. gardner,d. (2011). Getting to the root of relationship attributions: family of origin perspective on self and partner views. *Contemp Fam Ther (2011) 33:253–272*
- Epstain, N. B. (1985). Depression and marital dysfunction : cognitive and behavioral linkages. *International Journal of Mental Health*, 13, 86-104.
- Epstain, N. B., Chen, F., & Beyder, I. (2005). Relationship standards and marital satisfaction in Chains and American couple. *Journal of Marital and Family Therapy*, 31 ,59-74
- Fincham, F. D. (2001). Attribution in close relationship: from balkanization to integration. In G.Fletcher & M. clark (Eds.), *Blackwell handbook of social psychology: interpersonal processes (pp. 3-31)*.
- Fincham, F. D., Bradbury, T. N., Scott, C. K. (1990). Cognition in marriage. In F. D. Fincham & T. N. Bradbury (Eds.), *The psychology of marriage: Basic and application (pp. 118-149)*. New York: Guilford Press.
- Fincham, F.D., Beach, S. H. (1999). Marriage in the new millennium: Is there a place for social cognition in marital research? *Journal of Social and Personal Relationship*, 16, 685-704.
- Fletcher, G. J. O., Fincham, F. D., Gramer, L., & Heron, N. (1987). The role of attribution in the development of dating relationship. *Journal of Personality and Social Psychology*, 53, 510-517.
- Fletcher, G. J. O., Simpson, J.A. (2000). Ideal standard in close relationship: Their structure and function. *Current Directions in Psychological Science*, 9, 102-105.
- Forsterling, F., Beat, S. (2005). Perspective Of Causal Attributions: A study of couple and depression. *Journal of Social and clinical psychology*, 24 , 793-795.
- Gordon, K. C., Baucom, D. H. (1999). A forgiveness-based intervention for addressing extramarital affair. *Clinical Psychology: Science and Practice*, 6, 382-399.
- Hannah, J., Halford, W. K., & Dadds, M. R., (2000). Relationship standards and communication patterns as predictors of relationship satisfaction in committed lesbian couples. *Journal of Marital and Family Therapy*, 25, 140-153.
- Holmes, B. M., & Johnson, K.R. (2009). Where Fantasy Meets Reality :Media Eexposure, Rrlationship Bellife And Standard, And the Moderating Effect of A Current Relationship. In E. P. Lamont (Eds.). *Social Psychology: New research*. New York: Nova Science Publishers.
- Johnson, M. D., Karney, B. R., Rogge, R., & Bradbury, T. N. (2001). The role of marital behavior in the longitudinal association between attributions and marital quality. In V. Manusov & J. H. Harvey (Eds.), Attribution, communication behavior, and close relationships (pp. 173–192). Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Kohn, C. S., & Sayers, S. L. (2005). Extreme relationship standard in the context of discordant and no discordant couple. *Cognitive and Behavioral Practice*, 12, 319-323.
- Olson, D. H; Fournier, D. G. & Druckman, J. M. (1989). *Families .California :Sage Publication Inc.*

- Pearce, Z. J., & Halford, W. K. (2008). Do attributions mediate the association between attachment and negative couple communication? *Personal Relationships*, 15, 155–170.
- Prewett, m.j., spence, R., Chsknis, M. (1981). Attribution of Causality by Children with Alcoholic-Parents. *Substance Use & Misuse*. Vol. 16, No. 2, Pages 367-370.
- Cropley, C. J., & Reid, S. A. (2008). A latent variable analysis of couple closeness, attributions, and relational satisfaction. *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families*, 16, 364–374.
- Sanford, K. (2005). Attributions and anger in early marriage: Wives are event-dependent and husbands are schematic. *Journal of Family Psychology*, 19, 180–188.
- Stuart, R. B. (1980). *Helping couple change: A social learning approach to marital therapy*. New York: Guilford Press.
- Sumer, N., & Cozzarelli, C. (2004). The impact of adult attachment on partner and self-attributions and relationship quality. *Personal Relationships*, 11, 355–371.